

به نام خداوند جان و خرد

باب مارلی چه کسی بود؟



نویسنده:

کتی الیسون

مترجم:

ابوالفضل طاهریان ریزی



سرشناسه: الیسون، کتی
 Ellison, Katie
 عنوان و نام پدیدآور: باب مارلی چه کسی بود؟/ نویسنده کیت الیسون؛ مترجم ابوالفضل طاهریان ریزی.
 مشخصات نشر: تهران: طاهریان، ۱۳۹۹.
 مشخصات ظاهری: ۸۰ ص: مصور: ۵/۱۴ × ۵/۲۱× س.م.
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۸۴-۰۲۱-۱
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: Who was Bob Marley?
 موضوع: مارلی، باب، ۱۹۴۵-۱۹۸۱ م.
 موضوع: Marley, Bob
 موضوع: مارلی، باب، ۱۹۴۵-۱۹۸۱ م. — ادبیات کودکان و نوجوانان
 موضوع: Marley, Bob -- Juvenile literature
 موضوع: آوازخوانان -- جامائیکا -- سرگذشتنامه -- ادبیات کودکان و نوجوانان
 موضوع: Singers -- Jamaica -- Biography -- Juvenile literature
 موضوع: موسیقی‌دانان رگی -- جامائیکا -- سرگذشتنامه -- ادبیات کودکان و نوجوانان
 موضوع: Reggae musicians -- Jamaica -- Biography -- Juvenile literature
 شناسه افزوده: طاهریان ریزی، ابوالفضل، ۱۳۵۲ - مترجم
 رده بندی کنگره: ML ۴۲۰
 رده بندی دیویی: ۷۸۲ / ۴۲۱۶۶۰۹۲
 شماره کارشناسی ملی: ۷۴۰۵۵۰۳



«باب مارلی چه کسی بود؟»

- نویسنده: کتی الیسون ● مترجم: ابوالفضل طاهریان ریزی
 - نوبت چاپ: دوم ● سال چاپ: ۱۴۰۲ ● تیراژ: ۱۰۰ جلد ● قیمت: ۵۰/۰۰۰ تومان
 - ناشر: انتشارات طاهریان ● صفحه بندی و طرح جلد: آرزو خسروپور ● چاپ: شهر
 - شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۸۴-۰۲۱-۱ ● شابک الکترونیک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۸۴-۰۲۲-۸
-
- آدرس: میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، خیابان لبافی نژاد، پلاک ۲۶۶، طبقه چهارم، واحد ۱۱
 تلفن: ۶۶۹۷۰۷۶۷-۶۶۴۹۲۷۳۳ تلفکس: ۶۶۹۷۴۱۵۲ www.Taherianpress.com
- با تشکر از همراهی هوشمندانه شما خواننده محترم، به اطلاع می‌رساند برای بهره‌گیری از تسهیلات و خدمات نوین حمایتی انتشارات طاهریان و همچنین شرکت در قرعه‌کشی خوانندگان ویژه مجموعه کتاب‌های به سوی موفقیت، لطفاً حتماً عدد ۱ را به شماره ۶۶۴۹۲۷۳۳-۱۰۰۰۰۰ ارسال کنید تا یکی از برندگان ما باشید.

فهرست

- فصل ۱: پسر روستایی..... ۹
- فصل ۲: چهرهٔ دیگر جاماییکا..... ۱۷
- فصل ۳: از ولدر تا وایلر..... ۲۳
- فصل ۴: عشق و موفقیت..... ۳۱
- فصل ۵: در مسیر ستاره شدن..... ۴۳
- فصل ۶: ۵۶ جادهٔ امید..... ۵۵
- فصل ۷: جنگ برای صلح..... ۶۱
- فصل ۸: افسانه و میراث باب مارلی..... ۷۳

باب مارلی چه کسی بود؟



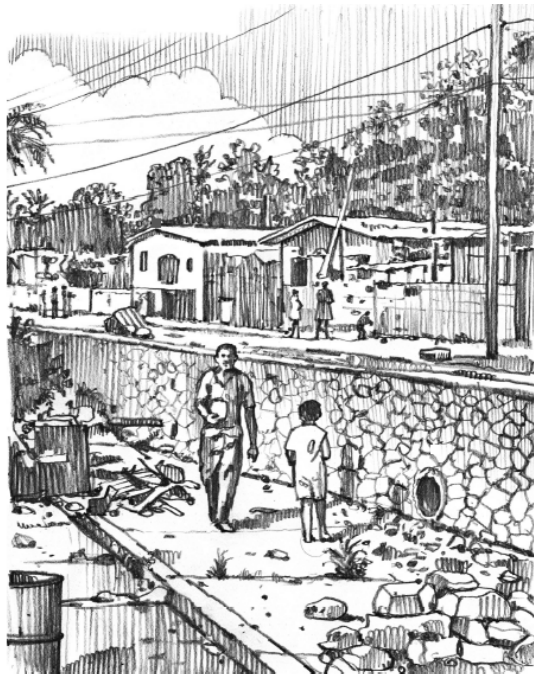
وقتی او دوازده ساله بود، باب مارلی و مادرش، سدلا، سوار بونگوبونگو شدند. بونگوبونگو چیزی بود که مردم در حومه جامائیکا آن را اتوبوس‌های عمومی می‌نامیدند. باب و سدلا از دهکده کوچک و قدیمی خود به نام ناین مایل (Nine Mile) به سمت کینگستون، پایتخت جامائیکا در حال حرکت بودند.

هنگام خداحافظی از همسایگانشان، سدلا به اندازه باب غمگین نبود. باب احتمالاً به این فکر می‌کرد که چه خاطراتی را پشت سر جای می‌گذارند: بازی فوتبال در تپه‌های چمنزار و موسیقی‌هایی که همسایگانش شب‌ها در ایوان‌هایشان پخش می‌کردند.

اما سدلا مطمئن بود که می‌تواند زندگی بهتری برای خود و پسرش در کینگستون ایجاد کند. بنابراین در سال ۱۹۵۷، باب و سدلا در جاده‌های

خاکی جامائیکا در بونگوبونگو به سمت خانه جدید خود حرکت کردند. آنها به یک محله در کینگستون به نام ترنچ تاون نقل مکان کردند. اما وقتی آنها رسیدند، باب از آنچه می‌دید کمی عصبی شد.

ترنچ تاون بخشی از جنوب شهر با ساختمانهای فرسوده و خیابانهای مملو از مردمان بسیار فقیر بود. بسیاری آن را محله فقیرنشین می‌نامیدند. در این محله لوله‌کشی داخل ساختمان وجود نداشت، بنابراین مردم شهر ترانچ مجبور شدند آب را از شیرهای آب در فضاهای عمومی، تهیه کنند. این شیرهای آب در مکانهای عمومی مانند پارکهای خاک‌آلود قرار داشتند که در وسط مجتمع‌های بزرگ مسکونی و بتونی ساخته شده توسط دولت ساخته شده بود.



ترنچ تاون می‌توانست مکانی خطرناکی برای خانواده‌ها باشد. در این محله مردم گاهی از یکدیگر دزدی می‌کردند و در خیابان با هم درگیر می‌شدند. باب با تعجب به این مسایل نگاه می‌کرد و سخت تلاش داشت تا خود را با آنجا وفق دهد.

باب متوجه شد که پارکهای عمومی محلی است که همسایگان برای گفتگو یا بازی و فوتبال بازی آنجا جمع می‌شوند. بعضی از مردم‌ها آنجا موسیقی پخش می‌کردند. گاهی اوقات تقریباً شبیه ناین مایل به نظر می‌رسید! وقتی باب در حیاط کنار خانه‌اش گیتار خود را نواخت، بچه‌های دیگر متوجه شدند که او چقدر با استعداد است. بسیاری از آنها علاقمند شدند که با او دوست شوند.

آواز و بازی با همسایگان جدیدش در پارکهای عمومی، چیزهای خوبی برای باب بود که باید جشن می‌گرفت، این موضوع برای او مانند داشتن یک وعده غذایی کامل و پیدا کردن یک دوست صمیمی مهم بود. به نظر می‌رسید که مبارزات فقیرترین افراد در کینگستون آنها را وادار می‌کند شادی موسیقی را بیش از هر کس که باب تا به حال ملاقات کرده است، درک کنند.



آن زمان بود که باب فهمید که همیشه می‌خواهد موسیقی بسازد؛ موسیقی که مردم را برای ایجاد شادی‌های روزمره؛ دور هم جمع می‌کند و باب همین کار را ادامه داد. موسیقی او همچنان به یک منبع الهام بخشیدن و اعتلای مردم در همه جای دنیا منجر می‌شود.

فصل ۱

پسر روستایی



در زمان تولد رابرت نستا مارلی در سال ۱۹۴۵، جزیره جامائیکا برای مدت نزدیک به سیصد سال توسط انگلیس به صورت مستعمره اداره می‌شد. پدر باب، نوروال مارلی، مرد سفید پوستی بود که در استخدام دولت انگلیس بود. کار نوروال مدیریت املاک دولتی در روستای ناین

مایل در منطقه Saint Ann Parish بود، جامائیکا پریش نام دیگری برای این منطقه بود. جامائیکا چهارده منطقه دارد.

نوروال کمی بیش از شصت سال داشت که به یک کلبه کوچک در ناین مایل نقل مکان کرد. او خیلی زود عاشق سدلا مالکوم، دختر زیبای سیاه پوست جامائیکایی شد که بسیار جوانتر از او بود. مادر بزرگ سدلا صاحب کلبه‌ای بود که نوروال در آن زندگی می‌کرد. در هجده سالگی سدلا، او با نوروال ازدواج کرده بود و در انتظار اولین فرزندش بود. همسایگان موافق نبودند که سدلا با یک مرد سفیدپوست خیلی بزرگتر از سن خودش ازدواج کند. سدلا اما می‌خواست زندگی بهتری برای خودش بسازد و امیدوار بود که نوروال بتواند به او در رسیدن به خوشبختی کمک کند.

اما بلافاصله پس از ازدواج، نوروال مجبور شد ناین مایل را ترک کند. وی گفت که کار در تپه‌ها برای سلامتی او خوب نیست و باید کار آسان‌تری را در کینگستون پیدا کند. نوروال به سدلا قول داد که برمی‌گردد. البته سالها بعد، او این کار را کرد، اما فقط برای مدت کوتاهی. آنها هرگز دوباره (نوروال و مارلی) با هم زندگی نکردند.

نوزاد آنها، رابرت نستا مارلی، در ۶ فوریه ۱۹۴۵ در ناین مایل به دنیا آمد. از همان ابتدا، باب پسر خوبی بود. پدر بزرگش چیزهای زیادی را به او آموخت. او داستان‌های کتاب مقدس را برای باب توضیح داد و به او یاد داد که چگونه سیب‌زمینی را پرورش دهد. پدر بزرگ و مادر بزرگ باب همیشه به سخت کوشی او افتخار می‌کردند؛ حتی وقتی خیلی کوچک